

روز قدس و بیداری جهان اسلام

آیت مظفری^۱

چکیده

قدس شریف در نگاه وحی و مسلمانان به دلیل وجود مسجدالاقصی از ارزش والایی برخوردار است. جایگاهی است پر برکت و محل زندگی و بعثت انبیاء بزرگ الهی، نخستین قبله مسلمانان و به ویژه جایگاه معراج آسمانی رسول الله (ص) است. بیت المقدس برای یهودیان و مسیحیان نیز به لحاظ دینی اهمیت خاصی دارد با وجود پر اهمیت بودن این جایگاه اما امروز قدس شریف و نخستین قبله مسلمانان از دست صهیونیست‌ها خون می‌گیرد و می‌دائیم که امروز سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است. آنان چشم انتظار اقدام اساسی مسلمانان برای رهایی بیت المقدس از دست صهیونیست‌ها هستند. خوشبختانه امروز تدبیر و دور اندیشی امام خمینی (ره) و رهبری دایمانه مقام معظم رهبری نتیجه داده است و روز جهانی قدس، نماد بیداری جهان اسلام شده است. بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان را به سوی قیام عملی علیه رژیم صهیونیستی سوق داده

است و طلیعه شکست کیان صهیونیستی آشکار شده است. خیزش و بیداری ملت‌های مسلمان منطقه، باعث شده است تا روز قدس اهمیتی روز افزون بگیرد. امواج خروشان بیداری اسلامی همچنان به صورت مستکبران سیلی می‌زند و دیکتاتورهای دست‌نشانده را یکی پس از دیگری از گردونه حکومت خارج می‌سازد. هرچند برخی با عنوان «بهار عربی» از بیداری جهان اسلام یاد می‌کنند اما جهان، شاهد بیداری اسلامی و وقوع انقلاب‌های اسلامی دیگری در منطقه است. با توجه به واقعیت موجود این مقاله به دو مطلب می‌پردازد:

۱. بیداری اخیر در جهان اسلام، بیداری اسلامی است نه ناسیونالیستی و نه سکولار.
 ۲. روز جهانی قدس از عوامل مهم تأثیرگذار در بیداری جهان اسلام بوده و برگزاری هرچه باشکوه‌تر آن می‌تواند زمینه‌ساز نابودی رژیم صهیونیستی گردد.
- واژگان کلیدی: قدس، روز قدس، بیداری اسلامی، بهار عربی، بیت المقدس





مقدمه

مسیحیان صهیونیست معتقدند که عیسی مسیح^(ع) پیمان بسته است تا به اورشلیم (قدس)، شهر مقدس معتقدان به کتاب مقدس بازگردد تا با نشستن بر تخت داوود در اورشلیم با عدالت و صلح بر جهان حکمرانی کند. آنان برای اجرایی کردن عقیده خود درباره بازگشت عیسی مسیح^(ع) و حاکمیت بر جهان آینده، معتقدند که دو مسجد مسلمانان یعنی «الاقصی» و «صخره» در بیت المقدس باید به دست پیروان کتاب مقدس ویران شود و به جای آن معبد یا هیکل سلیمان را بنا کنند. مبتنی بر این اعتقادات، صهیونیست‌ها بیش از نیم قرن است که بدترین جنایات را در فلسطین انجام می‌دهند جنایات وحشتناکی

که روی شقی‌ترین افراد تاریخ را سفید کرده است. با توجه به ضرورت نجات قدس و فلسطین است که امام خمینی^(ره) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام الله قدر است، روز قدس نام‌گذاری کرده است. آن حضرت این روز را، روز اسلام، روز رسول اکرم^(ص)، روز احیای اسلام و قوانین اسلامی، روز بسیج عمومی اسلامی، فرصتی برای قیام یکپارچه ملت‌ها علیه مفسدین و روز مقابله مستضعفین با مستکبرین بیان کرده است. خوشبختانه امروز در پرتو دوراندیشی حضرت امام خمینی^(ره) تمام مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان در مقابل استکبار جهانی و صهیونیزم بین‌المللی قیام کرده‌اند و انقلاب اسلامی ایران و روز قدس، وجدان‌های خفته و ستم‌دیده را در



جهان اسلام و عرب بیدار کرده است. در پی این تحولات، دولت‌های حاکم بر تونس، مصر و لیبی سقوط کردند و رژیم‌های حاکم بر یمن و بحرین به شدت در معرض خطر فروپاشی قرار دارند. علاوه بر این، دامنه اعتراضات مردمی به بسیاری دیگر از کشورهای عربی و از جمله اردن و عربستان سعودی نیز کشیده شده است و موج عظیمی از بیداری اسلامی در جهان اسلام به راه افتاده است تا ریشه استکبار و صهیونیسم را ان شاء الله برکند.

توصیف مختصر جریان بیداری اخیر در جهان اسلام

آنچه به عنوان نقطه آغاز و جرقه اصلی پیدایش انقلاب‌های مردمی و بیداری در جهان اسلام و عرب از آن یاد می‌شود، این است که محمد بو عزیز (دست‌فروش تونس) در اعتراض به ضبط گاری سبزی‌فروشی‌اش، خود را به آتش می‌کشد و سپس در بیمارستان جان می‌سپارد. به دنبال این واقعه که حاکی از اوضاع نابه‌سامان اقتصادی، بیکاری شدید و فقر گسترده در تونس بوده، احساسات مردمی جریحه‌دار گردید و تظاهرات مردمی علیه دولت زین‌العابدین بن علی که حکومت استبدادی او را مسئول بیکاری، تورم، فقر، فساد و وخامت اوضاع اقتصادی در کشور و مرگ دست‌فروش می‌دانستند، آغاز گردید و اعتراضات از زادگاه آن سبزی‌فروش به دیگر شهرها و در نهایت به پایتخت رسید و پس از تهدید ارکان رژیم حاکم

بر تونس، بن‌علی به عربستان سعودی فرار کرد و رژیم تونس فرو پاشید، پس از آن زنجیره‌ای از ناآرامی‌ها، تظاهرات و اعتراضات شدید در مصر، اردن، یمن، لیبی و بحرین را شاهد بوده و هستیم. دولت فرعون‌ی حسنی مبارک نیز دومین حکومتی بود که پس از حکومت تونس سقوط کرد. حسنی مبارک پس از اعتراضات گسترده مردم در میدان التحریر قاهره و شهرهای مختلف مصر، علی‌رغم مقاومت‌های اولیه، در نهایت ناچار به کناره‌گیری شد و شورای مرکزی حزب حاکم وابسته به مبارک، دسته‌جمعی استعفا کردند. پس از آن، شورای نظامی، قانون اساسی را تعلیق، پارلمان را منحل و وعده برگزاری انتخابات داد و حاکمیت را در این کشور به دست گرفت. در یمن، اعتراضات گسترده مردمی و تظاهرات عظیم مردم، حکومت مستبد علی‌عبدالله صالح را هدف قرار داد. در آن‌جا نیز مردم، خواهان فروپاشی رژیم شدند و شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» در تظاهرات مردم به صراحت انعکاس یافت. علی‌عبدالله صالح که به شدت از سوی آل سعود حمایت می‌شد، با تظاهرات گسترده مردمی در شهرهای مختلف یمن از صنعا، تعز و دیگر شهرها و علی‌رغم کشتار بسیاری از مردم، سقوط کرد. در لیبی نیز به موازات اعتراضات مردمی در دیگر کشورهای عربی، مخالفان سرهنگ معمر قذافی به اعتراض و تظاهرات برخاستند، آنان پس از مدتی در شرق لیبی و در شهر بنغازی (شهر عمر مختار) دولت موقت



تشکیل دادند و خواهان کناره‌گیری قذافی از حاکمیت شدند، اما سرهنگ قذافی حاضر به کناره‌گیری نشد و با تشدید درگیری‌ها، اوضاع به جنگ داخلی انجامید. در این میان ورود ناتو و دنیای غرب به تحولات لیبی و کمک آن‌ها به مخالفان قذافی، اوضاع را به ضرر قذافی رقم زد و هواپیماهای ناتو بارها با حمله به شهرهای لیبی و بمباران شهرها و مواضع طرفداران قذافی، بسیاری از مردم بی‌گناه را نیز کشتند. انقلابیون لیبی در نهایت با کمک دنیای غرب (ناوهای جنگی آمریکا و اروپا و بمباران‌های هوایی) قذافی را شکست دادند و پس از در هم شکستن آخرین مقاومت‌های بقایای طرفداران دولت، قذافی را به هلاکت رساندند.

در بحرین نیز حکومت آل خلیفه با تظاهرات عظیم مردمی در شهرهای مختلف این کشور روبه‌رو شد. با اوج‌گیری تظاهرات دولت آل خلیفه میدان لؤلؤ را که به عنوان محل اعتراض مخالفان و نماد مخالفت با رژیم آل خلیفه درآمده بود تخریب کرد و سپس با کمک‌خواهی از دولت عربستان سعودی، نیروهای نظامی عربستانی وارد بحرین شدند و به سرکوب شدید مخالفان پرداختند، با این وجود تظاهرات و درگیری‌ها در بحرین همچنان ادامه دارد. علاوه بر کشورهای یاد شده، در دیگر کشورهای عربی از جمله اردن، الجزایر، مراکش و عربستان سعودی نیز شاهد تظاهرات مردمی بوده و هستیم.

بررسی ماهیت بیداری اخیر در جهان اسلام

با نگاهی به حرکت‌های انقلابی یاد شده با توجه به ارکان انقلاب‌ها یعنی:

۱. رهبری
 ۲. ایدئولوژی یا مکتب
 ۳. نیروهای انقلابی
 ۴. شعارها
 ۵. اهداف
 ۶. راهبردهای مبارزه
 ۷. راه کارهای مبارزه
- نکات زیر قابل توجه است:

۱. از نظر توجه به رهبری انقلاب‌ها، شاهد آن هستیم که در هیچ کدام از آن‌ها رهبری واحد و برجسته و تأثیرگذاری همچون امام خمینی^(ره) یا مانند رهبران انقلاب‌های فرانسه، روسیه، چین و کوبا ظهور نکرده است. بی‌گمان نمی‌توان پذیرفت که این انقلاب‌ها فاقد رهبر باشند، اما فقدان رهبر برجسته در آن‌ها مشهود است. گویا به طور فطری و خودجوش، الگویی از حرکت انقلابی درجه ۲ و ۳ از بین کادرهای احزاب اسلامی همچون اخوان المسلمین مصر و راشدالغنوشی در تونس آشکار است.
۲. از لحاظ ایدئولوژی یا مکتب، روشن است که به دلیل مسلمان بودن جمعیت این کشورها، اسلام مکتب آنان بوده است. طرح شعار «الله اکبر، لاشرقیه، لاغریبه، اسلامیه اسلامیه» که مکرر در





تظاهرات مردمی این کشورها مطرح شده است و نیز برگزاری نمازهای جماعت و جمعه و بهره‌گیری از آیات قرآن کریم در سخنرانی‌های نیروهای انقلابی همه حاکی از آن است که مردم این کشورها اسلام را به عنوان مکتب انقلاب خود انتخاب کرده‌اند.

۳. با نگاه به نیروهای انقلاب در این کشورها، وجود اکثریت انقلابیون مسلمان را در این کشورها به وضوح می‌بینیم؛ هر چند در بین آنان روشنفکران سکولار و افرادی با گرایش‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی عرب وجود دارد ولی کثرت نیروهای انقلابی مسلمان و نیز احزاب اسلام‌گرا بر هر ناظری مشهود است.

۴. توجه به شعارهای مطرح شده توسط مردم در این انقلاب‌ها نیز به خوبی ماهیت آن‌ها را روشن می‌کند، شعارهایی چون:

- الشعب يريد اسقاط النظام، مردم خواهان فروپاشی رژیم هستند.
- الشعب يريد العدالة الاجتماعية، مردم خواهان عدالت اجتماعی‌اند.
- لا شرقية، لا غربية، اسلامية اسلامية، نه شرقی، نه غربی اسلامی اسلامی.
- سلمية، سلمية حتي النصر، حرکت مسالمت‌آمیز تا رسیدن به پیروزی
- الله اكبر، الله اكبر
- ارحل، ارحل (دیکتاتور) برو، برو)
- لا سنية، لا شيعية، وحدة، وحدة

الاسلامية، نه سنی و نه شیعه، وحدت اسلامی.

این شعارها و مانند آن‌ها که شعارهای مشترک در انقلاب‌های عربی است، حاکی از بیداری اسلامی در جهان عرب و خاورمیانه است و نشان می‌دهد که انقلاب‌های مردمی در جهان عرب، ماهیتی ضداستبدادی، ضداستعماری، ضدصهیونیستی و در یک کلام ماهیتی اسلامی دارند.

۵. اهداف این انقلاب‌ها نیز با دقت در شعارهای مردم این کشورها که در بالا ذکر شد، روشن است که می‌توان آن‌ها را به قرار زیر تبیین کرد:

- یک: ساقط کردن رژیم سیاسی حاکم
- دو: برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و ستم
- سه: حاکمیت نظام اسلامی و نفی نظام‌های سیاسی با الگوهای غربی لیبرال و شرق سوسیالیستی
- چهار: زندگی تحت حاکمیت ارزش‌های اسلامی
- پنج: استقلال و نفی وابستگی به قدرت‌های غربی و شرقی
- شش: آزادی از استبداد و استعمار و استکبار
- هفت: نفی رژیم صهیونیستی و مقابله با آن.

۶. شناخت راهبرد مبارزاتی مردم کشورهای

تونس، مصر، یمن، بحرین، لیبی و دیگر کشورهای که شعله‌های انقلاب در آنها زبانه کشیده است نیز ما را در درک ماهیت انقلاب‌های یاد شده یاری می‌کند. توضیح اینکه معمولاً سه نوع راهبرد مبارزاتی برای رسیدن به قدرت سیاسی و ساقط کردن نظام‌های سیاسی استبدادی مطرح است.

راهبرد اول: مبارزه پارلمانی است. این روش در کشورهای قابل اجراست که در آنها انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود. از آنجا که در نظام‌های وابسته، رژیم‌ها می‌کوشند تا نمایش دموکراسی بدهند لذا انتخابات مجلس و مانند آن را برگزار می‌کنند، اما علی‌رغم رأی‌گیری، افرادی که مورد نظر نظام سیاسی حاکم هستند به عنوان منتخب مردم معرفی می‌شوند، لذا برخی از گروه‌ها، احزاب و جریان‌های مخالف نظام‌های سیاسی حاکم، تلاش می‌کنند تا به شیوه‌ای از جریان انتخابات استفاده نموده و به گمان خود مجلس را به دست بگیرند و از طریق مبارزه پارلمانی به اهداف خود برسند. در دوران حاکمیت حسنی مبارک در مصر، اخوان المسلمین گاه از این شیوه استفاده می‌کرد.

راهبرد دوم در این زمینه جنگ چریکی و مسلحانه است که معمولاً از سوی جریان‌های دارای افکار چپ مارکسیستی در گذشته صورت می‌گرفت، روشی که

چه‌گوارا و فیدل کاسترو در کوبا و یا مائو در چین پیش گرفت.

و راهبرد سوم نیز تظاهرات مردمی و گسترش حرکت‌های اعتراضی و اعتصاب و تحصن است که تا سقوط نظام سیاسی حاکم تداوم می‌یابد. این شیوه همان روشی است که در انقلاب اسلامی ایران و در راهپیمایی‌های روز قدس به کار گرفته شد. امروز نیز درباره انقلاب‌های مردمی در جهان عرب شاهد اتخاذ همین راهبرد توسط مردم و رهبران سیاسی هستیم. گسترش تظاهرات در تونس سپس در مصر، یمن، بحرین، لیبی و دیگر کشورها همه حاکی از بهره‌گیری از این راهبرد است. مردم این کشورها نه مبارزه پارلمانی را برگزیدند و نه دست به جنگ مسلحانه به شیوه مارکسیست‌ها زدند، بلکه همچون راهپیمایی‌های روز قدس از طریق اعتراضات مردمی و گسترش تظاهرات به سراسر کشور به مبارزه با نظام حاکم پرداختند. این شیوه همان است که توسط مردم مسلمان کشورهای عربی در حال حاضر اجرا می‌شود؛ بنابراین با توجه به این شاخص نیز ماهیت اسلامی انقلاب‌های مردمی در جهان عرب، اثبات می‌شود.

۷. توجه به راه‌کارهای مبارزه توسط انقلابیون نیز ماهیت یک انقلاب را بر ما آشکار می‌سازد. به عنوان مثال وقتی



می‌بینیم که مردم در کشورهای عربی در حال انقلاب، روزهای جمعه را به عنوان روز اعتراض و تظاهرات بر می‌گزینند و یا پس از برگزاری نماز جمعه دست به راهپیمایی می‌زنند، خاستگاه این انقلاب‌ها روشن می‌شود. آنان معمولاً روزهای جمعه را با نام‌های مختلف مانند: «یوم الغضب» (روز خشم)، «یوم الشهدا» (روز شهدا)، «یوم المقاومة» (روز مقاومت) و مانند آن نام‌گذاری می‌کنند، که ریشه‌های اسلامی این نام‌گذاری‌ها را مشخص می‌کند. علاوه بر این، برگزاری نمازهای جماعت در میدانی اعتراض مانند میدان التحریر مصر و نیز در خیابان‌ها هنگام راهپیمایی‌ها از جمله راه‌کارهایی است که انقلابیون مسلمان در این کشورها به کار می‌گیرند که به وضوح، حاکی از اسلامی بودن انقلاب‌های منطقه است. استفاده از شعارهای اسلامی همچون «الله اکبر»، «لا شیعه لا سنیه»، «وحدة وحدة اسلامیة» و دیگر شعارهای اسلامی نیز خود به روشنی گویای ماهیت این نهضت‌هاست. ضمن اینکه بر وحدت مبارزان در جهان اسلام تأکید دارند. علاوه بر مواردی که تا کنون بیان شد، دلایل زیر نیز حاکی از بیداری اسلامی و ماهیت اسلامی انقلاب‌های مردمی در شمال آفریقا و خاور میانه عربی است:

۸. نگرانی و وحشت رژیم صهیونیستی: در

صورتی که انقلاب‌های یاد شده، ماهیتی غرب‌گرا و سکولار داشتند، به طور طبیعی نمی‌بایست رژیم صهیونیستی از آن‌ها ترس و واهمه‌ای داشته باشد، در حالی که می‌بینیم مسئله عکس آن است. شعارهای ضد صهیونیستی مردم در تظاهرات، تسخیر سفارت اسرائیل در قاهره و فرار سفیر این کشور، جهت‌گیری ضد صهیونیستی انقلاب‌های فعلی را نشان می‌دهد. بی‌گمان از عوامل مهم تأثیرگذار در این جهت‌گیری، روز قدس و شعارهای ضد صهیونیستی آن است. در حال حاضر رژیم غاصب صهیونیستی به شدت نگران امنیت و کیان خود است. در شرایطی که تا دیروز در زمان حاکمانی مثل حسنی مبارک در حالی که صهیونیست‌ها توانسته بودند نوار غزه را محاصره و در تحریم سختی قرار دهند و حسنی مبارک تنها راه کمک به مردم غزه را مسدود کرده بود و حتی اجازه کمک‌رسانی از راه‌های زیرزمینی را نمی‌داد و با ایجاد دیوار بتنی مانع از کمک‌رسانی به مردان و زنان و کودکان محروم و گرسنه و فاقد امکانات درمانی در غزه شده بود، اما پس از پیروزی انقلاب مصر، مردم این کشور راه کمک به غزه را گشودند و نیز خط لوله انتقال گاز به رژیم اشغالگر قدس را منفجر کردند.

۹. هراس آمریکا از انقلاب‌های مردمی در



منطقه: آنچه که تحت عنوان بهار عربی از آن یاد می‌شود، چالش‌های فراوانی پیش روی سیاست خارجی آمریکا قرار داده است. این بیداری اسلامی به واقع دو هدف استراتژیک آمریکا در منطقه را تهدید و یا نابود کرده است؛ اول: حفظ امنیت رژیم صهیونیستی که در اولویت راهبردهای سیاست خارجی آمریکا قرار دارد و این انقلاب‌ها در جهت خلاف آن، تنفر از آن دولت را افزایش داده و این کیان غاصب را در معرض خطر جدی قرار داده‌اند. دوم: حفظ رژیم‌های طرفدار خود در منطقه مانند مصر، تونس و عربستان سعودی. آن‌ها تلاش زیادی کردند، اما در حال حاضر این رژیم‌ها یا سقوط کرده‌اند یا در معرض تهدید جدی قرار دارند. اگر برخی از سکولارها و غرب‌زدگان ادعا می‌کنند جهت‌گیری انقلاب‌های مردمی در منطقه به سوی سکولاریزم و لیبرال دموکراسی بوده، امروز نمی‌بایست ایالات متحده آمریکا، هراسی از آن‌ها داشته باشد. اینکه می‌بینیم دولت آمریکا و غرب در تلاشند با نفوذ در بین رهبران این انقلاب‌ها و یا کمک به مخالفان مانند آنچه در لیبی دیدیم و در مصر شاهدیم، بر امواج انقلاب‌های منطقه سوار شوند، نشانه ترس آن‌هاست. تلاش آمریکا برای مصادره انقلاب‌های عربی، ناشی از هراسی است که از جهت‌گیری

ضد استکباری این انقلاب‌ها مشخص می‌شود. بسیاری از مردم منطقه آگاهند که ایالت متحده آمریکا خواهان دموکراسی واقعی برای کشورهای منطقه نیست، چرا که اگر چنین بود از حاکمان دیکتاتور قبلی حمایت نمی‌کرد. آمریکایی‌ها در صددند تا با نفوذ بین انقلابیون مسلمان همچنان پایگاه‌های اطلاعاتی و منافع نامشروع اقتصادی خود را در منطقه حفظ کنند و از همین رو به شیوه‌های مختلف در صدد مصادره این انقلاب‌ها به نفع خود هستند.

نتیجه‌گیری

امروز فلسطین، قدس شریف، نخستین قبله مسلمانان و نوار غزه از دست صهیونیست‌ها در آتش و خون غوطه‌ور است و انسان‌های آزاده و غیرتمند را غمی بزرگ فراگرفته است. آنان چشم‌انتظار اقدام اساسی مسلمانان برای رهایی از دست صهیونیست‌ها هستند. شبکه جهانی صهیونیسم اعم از یهودی و مسیحی به رهبری آمریکا و انگلیس برای تحکیم سلطه خود بر جهان اسلام، دست دولت جنایتکار اسرائیل را در کشتار مردم بی‌گناه فلسطین باز گذاشته است، به گونه‌ای که باید گفت؛ مسئله قدس و فلسطین تلخ‌ترین فصل کتاب تاریخ معاصر جهان است. امروز کمک به مردم فلسطین وظیفه‌ای است انسانی و اسلامی. انسانیت اقتضا می‌کند تا به هم‌نوعان خود کمک



کنیم، از نگاه ملی و وطن‌دوستانه نیز کمک به مردم فلسطین یک ضرورت است. زیرا اگر مانع تجاوز شبکه جهانی صهیونیسم به رهبری آمریکا، انگلیس و اسرائیل نشویم، ممکن است در دام استعمار فرانویین آنان، آن‌گونه که در افغانستان، عراق و فلسطین شاهدیم، گرفتار گردیم. از چشم‌انداز اسلامی نیز یاری فلسطینیان و کمک به آزادی قدس شریف اظهرمن الشمس است. زیرا در غیر این صورت در مسلمان بودن خود باید شک کنیم چه اینکه به گفته بزرگان دین:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ،
فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱
«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ
يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲

با توجه به همین ضرورت است که امام خمینی^(ع) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام‌الله قدر است، روز قدس نام‌گذاری کرده است تا نمادی برای بیداری اسلامی و نجات قدس و فلسطین گردد. خوشبختانه امروز در پرتو تدبیر الهی حضرت امام خمینی^(ع) تمام مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان در مقابل استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل قیام کرده‌اند و انقلاب اسلامی ایران و روز قدس، وجدان‌های خفته و ستم‌دیده را در جهان اسلام و عرب بیدار کرده است. در سایه نام‌گذاری روز قدس و بیداری برآمده از آن، امروز رژیم صهیونیستی دچار یک بحران عظیم درونی و بی‌هویتی در بین ملت‌های

جهان شده است. نشانه‌های عقب‌نشینی اسرائیل غاصب و ضعف و اضمحلال آن به روشنی آشکار شده است و طلیعه شکست کیان صهیونیستی آشکار است. خیزش و بیداری ملت‌های مسلمان منطقه، به هم ریختن اوضاع اقتصادی در غرب و جنبش اشغال وال استرت، اعتصابات و تجمعات در سرزمین‌های اشغالی باعث شده است تا روز قدس، اهمیتی روزافزون بگیرد. امواج خروشان بیداری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی ایران و روز قدس، دیکتاتورهای دست‌نشانده را یکی پس از دیگری از گردونه حکومت خارج می‌سازد. این حقیقت که انقلاب‌های مردمی منطقه، ناشی از تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی ایران و روز جهانی قدس است، انکارناپذیر است. اینکه این تحول پس از سه دهه اتفاق افتاد، جای تعجب نیست، چون تحولات فرهنگی عمیق و تأثیرگذار، محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها و زمان‌بر است. این حقیقت را ما در تأثیرپذیری انقلاب‌های چین و کوبا از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نیز شاهدیم. انقلاب چین حدود ۳۰ سال پس از انقلاب روسیه در سال ۱۹۴۹ اتفاق افتاد. انقلاب کوبا نیز حدود چهل سال پس از انقلاب روسیه پیروز شد؛ بنابراین می‌توان گفت که در طول این سه دهه پس از انقلاب اسلامی، پیام‌های انقلاب اسلامی ایران، از طرق مختلف و از جمله با راهپیمایی‌های روز قدس بستر را برای تحول آماده کرده بود، اما به دلیل



فقدان رهبران انقلابی بزرگ در این کشورها، انقلاب‌های یادشده با تأخیر شروع شد و مردم، خود دست به کار شدند. همچنین این انقلاب‌ها نیازمند عوامل شتابزایی بودند که خودسوزی بوعزیزی (دست‌فروش تونس) از جمله آن‌ها محسوب می‌شود. در واقع انقلاب اسلامی ایران هسته اصلی تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌گردد و این انقلاب بنیان‌گذار عصر جدیدی در منطقه و جهان به شمار می‌رود. با توجه به این حقیقت، ضروری است تا مسلمانان با برپایی هر چه باشکوه‌تر روز قدس امسال و هر سال، هر چه زودتر پیش‌بینی امام خمینی^(ع) را مبنی بر محو دولت صهیونیستی از صحنه تاریخ، محقق سازند. تحولات اخیر، نویدبخش خاورمیانه جدیدی است که همان خاورمیانه اسلامی است. خاورمیانه‌ای که در آن نامی از رژیم صهیونیستی نخواهد بود. ابتکار امام در تعیین روز جهانی قدس پس از سه دهه ثمرات شیرین خود را آشکار کرده است و این نتیجه، حاکی از آن است که امام تا چه حد راهبردی و آینده‌نگرانه می‌اندیشیده است. جهت‌گیری ضدصهیونیستی و ضد آمریکایی در انقلاب‌های کشورهای عربی و شمال آفریقا نشان می‌دهد که تعیین روز قدس در فرهنگ سیاسی جهان اسلام تا چه حد استراتژیک بوده است. استراتژی امام خمینی در باره قدس اجازه نداد تا غرب، آمریکا و اسرائیل مسئله قدس و فلسطین را مسئله‌ای کوچک و حداکثر

تضادی عربی-اسرائیلی جلوه داده و نقشه‌های شوم خود را اجرا کنند. امام با ابتکار خود نشان داد که مسئله قدس و فلسطین، مسئله‌ای اسلامی و مربوط به کل جهان اسلام است. بر همین مبنا امروز مردم کشورهای عربی و شمال آفریقا و سایر نقاط جهان اسلام علیه اسرائیل فریاد می‌زنند و رژیم غاصب و جعلی اسرائیل، صهیونیست‌ها و آمریکا را دچار وحشت و سردرگمی کرده‌اند. نکته قابل توجه برای مسلمانان امروزی آن است که ما مسلمانان دستاوردهای روز جهانی قدس را در راستای وحدت مسلمانان پاس بداریم و در مقابل توطئه ایجاد جنگ شیعه-سنی هوشیارانه بایستیم. بعون‌الله‌تعالی.

پی‌نوشت:

۱. پژوهشگر و نویسنده
۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴
۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴

